به سختیِ آبِ خوردن!

رحیم نوبهار

1. ضرب­المثل­ها و تعبیرهای زبانی رایج در هر زبان، بخشی از فرهنگ آن جامعه و مبتنی بر انبوهی از پیش­فرض­ها، باورها و یا واقعیت­های تاریخی یا واقعیت­های جاری است. ضرب­المثل­ها و تعبیرهای زبانی رایج در میان مردم ما هم از این امر کلی جدا نیست. مهم این است که تعبیرها با باورها و واقعیت­های زمانه هم هماهنگ باشد و متضمن مطلب نادرست و یا خلاف واقعی نباشد. در روزگاری که شلغم، خوردنی چندان سودمندی قلمداد نمی­شد، پذیرفتنی بود که گفته شود فلان کس یا فلان چیز خاصیت شلغم را هم ندارد. اما امروزه که سیاهۀ بلندی از خاصیت و منفعت برای شلغم خام و پخته برشمرده می­شود تشبیه آدمیان یا اشیای بی­خاصیت به شلغم به دل نمی­پسبد بلکه به ذوق می­زند. امروزه توجه به این تعبیر؛ الهام بخش این اندیشه است که در بی خاصیت قلمداد کردن هر چیزی جانب احتیاط را از دست ندهیم. کشور ما سرزمینی خشک و آفتاب­گیر است؛ هوای اکثر نقاط آن گرم و آفتابی است. سایه و سایه­سار در این سرزمین ارجمند و ارزشمند بوده و هست. در این فضای طبیعی این تعبیر که: من در سایه شما هستم بسیار طبیعی و واقع­گرایانه است. اما دور نیست که در سرزمینی که آفتاب و نور اندک است در مقام اظهار لطف به دیگری گفته شود: من در پرتو نور تو هستم.

2. زمستان امسال به مشهد مقدس مشرف شده بودم. زمستان تا آن زمان خشک و آسمان کم­بارش بود. در سفرهای پیش از آن آشکارا می­دیدم که مردم سخت چشم انتظار بارش رحمت از آسمانند. خوشبختانه در اواخر دی­ماه برف بشارت­آمیزی باریده بود. در فرودگاه مشهد بسیاری از پروازها دچار تأخیر و بی­نظمی شده بود. تابلو بسیاری از شرکت­های هواپیمایی در فرودگاه مشهد متضمن این جمله بود که: تأخیر به علت بدی هوا! با خود اندیشیدم که چگونه می­توان هوایی که متضمن برف و باران و تأمین­کنندۀ آب آشامیدنی مردم است را بد نامید. با یکی دو مسئول شرکت هواپیمایی در این باره صحبت کردم. آنها هم وقتی توجه می کردند اذعان می کردند که این جمله نامناسب و نشان نوعی قدرنشناسی است؛ اما می­گفتند: آن­ها در بارۀ مضمون و محتوای تابلوها اختیاری ندارند. در هر حال بد شمردن هوای برفی برای مردمانی که در سرزمینی خشک زندگی می­کنند شگفت­انگیز است. بی­گمان برای رسانیدن این مضمون می­توان تعبیر هوای نامناسب برای پرواز را به کار برد یا تأخیر به علت نامطمئن­بودن پرواز در هوای برفی و ... . با آن که در سرزمینی خشک و کم­آب زندگی می­کنیم به محض این که اندک برف و بارانی از رحمت الهی روزی امان می­شود به آسانی می­گوییم هوا خیلی بد است؛ هوا افتضاح است و ... . درست است که در بسیاری از این موارد از این واژه­ها معنای حقیقی آن­ها را اراده نمی­کنیم اما به کاربردن این تعبیرها مناسب نیست و با ادب شکرگذاری برای ریزش رحمت الهی سازگاری ندارد.

3. در روزگاری که در کشور ما چشمه­سارها این جا و آن جا جاری بود و آب آشامیدنی کالایی همگانی و در دسترس بود بسیار بجا بود که هر کار آسانی به پیدا کردن آب­خوردن تشبیه شود و گفته شود: به سادگی آب خوردن. اما امروزه که دسترسی به آب­خوردن مشکل بخش­های بزرگی از جهان و کشور ماست تشبیه کارهای آسان و در دسترس به پیداکردن آب­خوردن، تشبیهی غیرواقعی است؛ شاید اگر وضع آب آشامیدنی به همین منوال ادامه پیدا کند در آینده ضرب­المثل و تعبیر: "به سختی آب­خوردن" دور از ذهن نباشد. به همین ترتیب با ارزش­یافتن فزایندۀ آب، تشبیه چیزهای کمتر ضروری مانند خربزه به آب، توجیه مناسبی پیدا نمی­کند.

4. برخی ضرب­المثل­های رایج در زبان ما متضمن نوعی بی­احترامی یا به تعبیری بی­توجهی و تعرض به حیوانات است؛ سگ حیوان باوفایی است؛ تشبیه دروغگو به سگ امروزه در سایۀ تحولی که در نوع نگاه به حیوانات رخ داده است پذیرفتنی نیست و بویژه سرزنش حیوان دوستان را برمی­انگیزد. حتی اگر بگوییم وجه شباهت در تشبیه دروغ­­پرداز به سگ، سماجت و اصرار سگ است، باز هم این تعبیر متضمن معنای مناسبی در باره یکی از حیوانات و آفریده­های خداوند نیست؛ آن هم آفریده­ای که گفته می­شود در تمدن­سازی انسان مؤثر بوده است. بنابر رأیی این سگ بود که از حریم انسان در برابر حملۀ حیوانات وحشی دفاع کرد و به نوبۀ خود به انسان امکان سکنی­گزیدن در دشت و در نتیجه، شهرسازی و شهرنشینی و مدنیت را داد. چوب­زدن به حیوانات بارکش در زمانی بسیار رایج بود و مردم بر این منوال می­گفتند: همۀ خران را به یک چوب نمی­رانند؛ اما امروزه زدن­حیوانات با چوب به کلی ناپسند قلمداد می­شود. مردمان نیک هیچ خری را با هیچ چوبی نمی­زنند.

5. این­ها تنها نمونه­های اندکی از تعبیرها یا ضرب­المثل­هایی است که باید به گونه­ای بازسازی شود. با بازخوانی ضرب­المثل­های قدیمی انبوهی از آنان را می­توان متناسب با شرایط و اوضاع کنونی بازسازی نمود یا معادل آنان را متناسب با واقعیت­ها و غنای و تکامل فرهنگی آفرید. البته وجه تاریخی ضرب­المثل­ها و تعبیرهای ادبی و زبانی را در هر حال باید حفظ کرد. آنها بخشی از تاریخ فرهنگ و زبان و حتی واقعیت­هایی است که یک ملت با آن دست به گریبان بوده است. هر چه هست به آسانی می­توان از کاربرد عبارت "تأخیر به علت بدی هوا" برای اعلام تأخیر پروازها آن گاه که تأخیر ناشی از نزول رحمت الهی است پرهیز کرد.

منبع: روزنامه همدلی، چهارشنبه، 20 بهمن شماره 532، صص1و 11.